



نگاهی به وضعیت اسف بار کلام در هنر

ابتدال ارنیه شوم روشنفکری در ایران

م. حق گو

نیمه دوم قرن نوزدهم، اروپا با چندین جریان هنری از جمله رئالیسم و ناتورالیسم همراه بود که بازتابی از نگرانی‌های اجتماعی و علمی آن عصر بودند. رئالیسم از میل و گرایش هنرمندان برای نزدیک کردن هنر با واقعیت به وجود آمد. هنرمندان این مکتب عقیده داشتند که مناظر زندگی باید بی کم و زیاد و بدون دخل و تصرف نمایانده شوند. رئالیسم رسالت تقلید و نمونه‌برداری از طبیعت و حقایق را بر عهده داشته و موضوعاتش را از مشاهده دنیای اجتماعی و تاریخی معاصر اقتباس می‌کند. قهرمانان رمان‌های رئالیستی از مردم عادی جامعه هستند و خلق اثر تصویری و ادبی بیشتر به طبقات متوسط و پایین جامعه و به نفرت‌انگیزترین جنبه‌های زندگی آنان پرداخته می‌شود و محدودیت‌های «آداب و نزاکت» رعایت نمی‌شود.

ناتورالیسم، نوعی رئالیسم است که به افراط و اغراق کشیده شده است. ناتورالیسم فلسفه‌ای است که ذهن را وابسته به طبیعت مادی می‌داند نه مقدم بر آن و در ادبیات و هنر، گرایشی است که از رئالیسم سرچشمه می‌گیرد اما با آن متفاوت است. ناتورالیسم چه در رمان و چه در نمایشنامه، همواره تصویرگر طبقات زحمتکش است. به همین سبب آن را شعر تهی‌دستان گفته‌اند. زبان آثار ناتورالیستی، زبان محاوره است آنها به اصطلاح همان جملات را به کار می‌برند که افراد استعمال می‌کنند. ناتورالیست‌ها در تحلیل انسان و زندگی به زوایای تاریکی چون فقر، تبعیض طبقاتی، فحشا، وقایع ناگوار، فساد، پلیدی و زشتی می‌پردازد.

فروغ این جریانات هنری به ایران به ویژه در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰، ما را از ادبیات و فرهنگ‌مان دور کرد و آفریننده ادبیاتی شد که هیچگونه آشنایی و ویژگی مشترکی با فرهنگ و البته با سیاست‌های ما نداشت. از سوی دیگر نفوذ ایدئولوژی، همان ادبیات را به جامه حزبی در آورد از این رو نویسندگان و هنرمندان هرچه بیشتر به شعار و نظریه‌پردازی روی آوردند. بنابراین ادبیاتی که به

یکی از ویژگی‌های بارز روشنفکری در ایران، تحقیر و خوار شمردن مردم و فرهنگ و رفتارشان بوده است

اندازه کافی، با نفوذ اندیشه غربی برای ما ناآشنا شده بود با نفوذ ایدئولوژی و یافتن ویژگی‌های حزبی، ناآشنا تر شد. در حقیقت ادبیات یکسره در خدمت ایدئولوژی و نظریه‌پردازان درآمد و به دو شیوه عمده گنگ‌نویسی تحت عنوان سمبولیسم و نمادین یا ادبیات روشنفکری، و ساده‌نویسی که البته طبق معمول ساده‌نویسی را با عامیانه‌نویسی اشتباه کردند، تقسیم شد. در حقیقت ادبیاتی که از اروپا گرفته شده بود، ریشه در ادبیات و

فرهنگ و رفتارشان بوده است، گو اینکه هیچگاه بدون ایراد گرفتن از مردم، روشنفکری کامل نمی‌شود. شکی نیست که وظیفه روشنفکران ادبی و اجتماعی تنها به آموزش ایدئولوژیک مردم خلاصه نمی‌شود اما نمی‌توان منکر این واقعیت شد که یکی از وظایف اساسی روشنفکران آموزش استفاده درست از رفتارهای فرهنگی و اجتماعی یا آموزش رفتارهای تازه و مناسب با مسائل مبرم جامعه است. بنا بر این چنانچه خطایی در جامعه باشد، بیشتر به گردن

پشروان و روشنفکران جامعه است که هرگز به این موضوع‌ها نپرداخته‌اند.

در واقع ارزش‌ها عواملی هستند که برای زندگی آفریده می‌شوند و بدون این ارزش‌ها، هیچ جامعه‌ای وجود خارجی نخواهد داشت چرا که افراد به وسیله تار و پود این ارزش‌ها به هم مربوط می‌شوند و یک اجتماع زنده را تشکیل می‌دهند. اگر قرار باشد که در اثر یک نویسنده ایرانی که در ایران و برای ایرانیان و در مورد جامعه ایران نوشته می‌شود، اینها وجود نداشته باشد پس برای چه نوشته می‌شود؟ یکی از خدمت‌هایی که مکتب ناتورالیسم به ادبیات کرد، شکستن حرمت کلمات بود. کلمه‌هایی را که نویسندگان ایرانی و حتی مردم عوام از استعمال آنها ایا و کراهت دارند و اساساً تنها در قشر خاصی از جامعه رواج دارد در داستان‌ها به کار می‌گیرند تا به آنها جنبه‌ای همگانی و یا عادی دهند.

اکنون که به این ادبیات نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم که ادبیات معاصر ایران به دشواری بتواند تصویر صحیحی از ایرانی، خواسته‌هایش و باورهایش بدهد چرا که خود گرفتار در انحراف ژرفی بدون پایان‌بندی مشخص است. تاکنون روشنفکران ادبی و اجتماعی ما فقط بیانگر همین تراژدی بوده‌اند و نه چیزی بیشتر، روشنفکرانی که یا مسحور مدرنیسم غرب بوده و یا گرفتار تب پیشرو بودن و جهانی شدن و جهانی کردن فرهنگ معاصر. علی‌ای حال متأسفانه بخشی از بدنه تاتار کشور همچنان خود را وام‌دار این جریانات پوسیده دانسته و علی‌رغم تغییر نگرش و ذائقه مخاطبان به خصوص

سیاست‌زدگی هنر نمایش در سی سالگی انقلاب

تمام سهم تئاتر از درک حقیقت

از اعضای گروهک‌های معاند انقلاب بوده و فرزند دیگر خود را که همان آرزو باشد به عمویش سپرده‌اند. عماد سعی دارد دختر را دست به سر کند و در فرصتی دیگر با او صحبت کند اما عزیزخانم که

زندگی اش، سرانجام خانه عماد را پیدا کرده و پس از آشنایی با عزیزخانم، مادر عماد پیش او می‌ماند تا عماد باز گردد.

عزیزخانم راوی زندگی بهاره و هاتف است.



بهاره و هاتف دو سال بعد از انقلاب پسر خود را به عزیزخانم سپرده و از ایران فرار می‌کنند. این زوج فعالیت‌های سیاسی داشته و در اوایل انقلاب از ترس دستگیری به خارج از مرزها می‌گریزند. بهاره و هاتف

عزیزخانم راوی زندگی بهاره و هاتف است. در حالی که خیر ندارد آنها از قبل با یکدیگر آشنا بوده‌اند و دختر برای قانونی کردن



پس از انقلاب اسلامی تلاش می‌کند تا عقاید و آرای خود را به این عرصه حقیقه کند که متأسفانه بی‌توجهی‌های مسئولان در ادامه زندگی و بقاء آنان مؤثر بوده است. در جشنواره اسماعیل علی‌رغم گذشت ۳۰سال از انقلاب اسلامی و تغییر در باورها همچنان شاهد هجوم همه جانبه و گسترده ادبیات سفیافانه در نمایش‌ها بودیم که در ادامه تنها به بخش کوچکی از آنها اشاره می‌شود.

در نمایش شکار روباه می‌شنویم: «آقا محمد تو برای جست و خیز در رختخواب زنان آفریده نشدی، بابا این که از ما . . . لخت‌تره، هنوز خریزه رو نخورده . . . گرفته، ما همه ثمره فتوحات رختخوابی پدرمان هستیم، حالا که جون و تنم از حسرت یک مرد می‌سوزه باید با یک خواجه ازدواج کنم» و یا در نمایش بیچ‌تند بازیگر رو مخاطبان کرده می‌گوید: «زنان ایرانی از صبح تا شب کتک می‌خورند اما به خودشون زحمت نمی‌دهند شب تو رختخواب شوهرشون روندن چرا که می‌دونند آگه کار شوهرشون رو راه نیاندازند فردا صبح آقا می‌ره زن دیگه‌ای رو پیدا می‌کنه تا کارش رو راه بندازه.» اما این موضوع در نمایش همه چیز درباره آقای ف به اوج خود می‌رسد. فرهاد خواننده می‌گوید: «تو این هنر هیچ گوهی نیست، بابا اینا . . . تو حال آدم، من . . . شده تو ریه‌هام، آگه آخرش نگرقتند چوب کتن تو . . .»

به واقع این جملات و کلمات تنها بخش کوچکی از ارنیه شوم به جا مانده در ادبیات نمایشی کشور ما به حساب می‌آید.

سیاست‌زدگی هنر نمایش در سی سالگی انقلاب

تمام سهم تئاتر از درک حقیقت

ازدواجش با عماد و گرفتن شناسنامه‌ای برای فرزند می‌کنند که در شکم دارد به سراغ پسر آمده است. وقتی که عزیزخانم از جریان بارداری دختر مطلع می‌شود ضمن بازگویی زندگی عماد و چگونگی سپرده شدنش توسط هاتف و بهاره به او جان می‌سپارد. هاتف و بهاره نیز ضمن منولوگ‌هایی بیان

سیاسی‌شان برناینگیزند. هاتف و بهاره در اوج امیدواری، بیان می‌کنند که روزگاری باز خواهند گشت و با کمک نسلی که از خود به جا گذارده‌اند میهن خود را طبق آرای سیاسی خود بازسازی می‌کنند.

رسول نقوی در نمایش «سه جلد» دو داستان

مناسفانه در برخی از نمایش‌ها نه تنها تعهدی نسبت مردم‌گرایی، کمال‌جویی و زیبایی وجود نداشته بلکه به نحوی در جهت تخریب سی سال دستاوردهای انقلاب گام برداشته‌اند

می‌کنند که با یکدیگر زن و شوهر نبوده بلکه برادر و خواهر بوده‌اند و به توصیه پدرشان که از سران فعالان سیاسی ضدنظام بوده از همسرانشان جدا شده‌اند و با فرزندان خود در هویت یک خانواده زندگی می‌کرده‌اند تا شکی را نسبت به خود و گروه سیاسی‌شان برناینگیزند.

آنها در خلال نمایش با منولوگ‌هایی در اوج امیدواری، بیان می‌کنند که باز می‌گردند و با کمک نسلی که از خود در ایران به جا گذارده‌اند میهن خود را طبق آرای سیاسی خود بازسازی می‌کنند، نسلی که خود نسل نامشروع دیگری را که به رسمیت شناخته نمی‌شود تولید کرده است. «سه جلد» که واژه غلط و کوچه بازاری «سجل» است، اشاراتی به هویت کثیف و ضدمردمی گروهک منافقین دارد که در حین و اعوان انقلاب اسلامی رشد پیدا کردند، نویسنده گویی فراموش کرده که این گروهک‌های سترون و عقیم سال‌هاست که ریشه‌کن شده‌اند و جایگاهی در تاریخ و اقلیم ایران اسلامی ندارند، امید به بازگشت منافقین در تعلیقی طراحی شده به گونه‌ای ساخته و پرداخته شده که پایان تلخ و مرگ عزیزخانم، مام وطن، و طیف سستی- مذهبی جامعه را تحت تأثیر قرار داده و کم رنگ می‌کند.

اجرای زخم مدینه برای دهمین بار

نمایش زخم مدینه از روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت در سالن شهدای کرج اجرای خود را آغاز کرد. افتتاحیه نمایش زخم مدینه با حضور فرماندهان منطقه‌ای سپاه پاسداران و خانواده‌های معظم ایثارگران و شهدا برگزار شد. این نمایش که برای دهمین بار در سال‌های اخیر به روی صحنه رفت روایتی موازی از وقایع جنگ خمیلی و داستان زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) است. همچنین این نمایش به کارگردانی عبدالرضا کیهانی اجرا می‌شود که انوشیروان ارجمند، کرامت رودساز، اسدالله بابایی، مهدی امینی، محمد سراج و تعدادی از هنرجویان آموزشگاه فذک در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. علی رضوانی مدیر تولید، سعید ذهنی آهنگ‌ساز و حسین عالم بخش طراحی صحنه این نمایش را به عهده دارند.

حمید بهمنی فیلم جنگی «یکی از میان‌ما» را می‌سازد

حمید بهمنی که به تازگی ساخت یک تله فیلم را به پایان برده، قرار است فیلم جنگی با عنوان «یکی از میان‌ما» را بسازد. بهمنی گفت: از هفته دیگر پیش تولید این فیلم را شروع می‌کنیم که تهیه‌کنندگی آن را احمد میرعلایی بر عهده دارد. وی افزود: این فیلم که بصورت ویدئویی تصویربرداری می‌شود، پس از پایان به ۳۵ میلیمتری تبدیل خواهد شد. بهمنی با اشاره به مضمون «شیخ جنگجو» گفت: داستان این فیلم در متن جنگ اتفاق می‌افتد و درباره اتفاقی است که در جنگ می‌افتد و ماجرای یک عملیات که داتما لو می‌رود و با هوشیاری رزمندگان منشاء آن پیدا می‌شود. براساس این گزارش، حمید بهمنی تله فیلم «ماه در آیین» را اوایل سال جاری در یزد کارگردانی کرد که تمامی عوامل آن بومی بودند.

تلویزیون دشمن کتابخوانی است

کارشناسان چینی می‌گویند تماشای بیش از حد تلویزیون باعث شده گرایش مردم به کتاب خواندن کاهش یابد. در قرنی که تلویزیون تمام وقت مردم را پر کرده است کمتر کسی سراغ کتاب و کتابخوانی می‌رود؛ آن هم هنگامی که می‌توان با فشار دادن یک دکمه آخرین اخبار روز را از تلویزیون دریافت کرد. برای آگاهی از اخبار هفته گذشته و یا حتی آموزش، دیدن شبکه‌های مختلف و تله‌تکس وجود دارد، اما با وجود این عده زیادی معتقد هستند تلویزیون به اندازه کتاب مفید نیست. به گفته شین‌هوا، مدت زمانی که برای ساخت یک برنامه تلویزیونی به تهیه‌کننده تلویزیونی داده می‌شود معمولاً یک هفته است ولی مدت زمانی که برای نوشتن یک کتاب و چاپ آن صرف می‌شود بسیار بیشتر است؛ در نتیجه وقت بیشتری صرف تصحیح اشتباهات موجود در یک کتاب می‌شود. پژوهشگران چینی معتقد هستند که کتاب اطلاعات بیشتر و مفیدتری به خواننده منتقل می‌کند.

تله فیلم جدید در نوبت پخش از تلویزیون

بیش از ۲۰ فیلم جدید از تولیدات مرکز سیما فیلم در نوبت پخش از تلویزیون قرار گرفتند. «بهار، قبل و بعد» به کارگردانی شهاد احمدلو، «خط بسازیک» ساخته شنفیج آقامحمدیان، «پل» به کارگردانی عباس بابویی، «ایزده دقیقه و سی ثانیه» ساخته بهروز افخمی، «محبوبه» به کارگردانی وحید نیکخواه‌آزاد، «کوچه محبوب» ساخته منوچهر هادی، «بازی مهره سفید» به کارگردانی حسن لفافیان، «مانگرو» ساخته مهدی صباغ‌زاده، «عروس زندان» به کارگردانی پرند زاهدی، «آخرین سرفه» ساخته محمدحسین حقیقی، «نیمه روشن» به کارگردانی سیداحمد پایداری، «نخل سوخته» ساخته سیدمحسن یوسفی، «گفت و گو با سایه» به کارگردانی خسرو سینیایی و . . . تعدادی از فیلم‌هایی است که از سوی مرکز سیما فیلم برای پخش در روزهای آتی در نظر گرفته شده‌اند. سیما فیلم با در اختیار داشتن باکس هنگی چهارشنبه شب‌های شبکه سوم سیما در نظر دارد هر هفته یکی از تله‌فیلم‌های جدید خود را روی آنتن این شبکه فرستد.

